

استراتژی‌های جنگ روانی از دیدگاه حضرت علی (ع)

فضل‌الله یزدانی*

چکیده

جنگ روانی، مبارزه کلامی، عقیدتی و فکری است و به جای اثرگذاری فیزیکی که در جنگ‌های واقعی مطرح است، در این جا اثرگذاری بر عقاید و احساسات و مبانی فکری دشمن مورد نظر است. در این مقاله چندین استراتژی و روش جنگ‌های روانی از قرار زیر مطرح شده است:

- تشجیع: در این روش تقویت عواطف و احساسات و برانگیختن شور و شوق مطرح

است.

- روشنگری: وظیفه اساسی آن، آشنا ساختن مخاطبان با حقایق و اهداف است.

- ارباب و ترس: به منظور تضعیف روحیه و سست نمودن اراده دشمن صورت

می‌گیرد.

- انگیزش تفکر: پیام‌ها به صورتی منتقل می‌گردد تا فرصت اندیشیدن به افراد داده

شود.

- شعار و رجز خوانی: فریاد جنگ نیز نامیده می‌شود.

- سکوت: به تبلیغات منفی معروف است.

- تحریک: اقدامی برای آگاهی بخشیدن به افراد برای تحریک احساسات است.

بعد از معرفی هر یک از این تکنیک‌ها، شواهد کلامی علی (ع) با تکیه بر نظامی‌گری

مطرح می‌گردد و در پایان اشاره خواهد شد که حضرت با اجرای عملیات ضد جنگ

روانی با مقابله با روش‌های فریب، تحذیر و انواع تبلیغات منفی می‌پرداختند.

مقدمه

شخصیت و سیره والا و گسترده امیرمؤمنان علی(ع) که مالا مال از درس‌ها، انداز و اندیشه‌های متعالی است، وسیع‌تر و متنوع‌تر از آن است که یک فرد بتواند در یک حوزه وارد شود و به طور مطلوب حق مطالب را ادا کند. با این حال در این مقاله به اختصار راهبردهای نظامی‌گری حضرت علی(ع) را از زاویه جنگ روانی مورد مذاقه قرار می‌دهیم؛ چرا که امروزه جنگ روانی از کارآمدترین، پویاترین و مؤثرترین جنگ‌ها محسوب می‌شود. کشورهای مختلف، بی‌وقفه می‌کوشند تا با آماده‌سازی سیستم‌ها، امکانات و نیروی انسانی خود با پیشرفته‌ترین و پیچیده‌ترین وسایل و تکنولوژی به مواجهه و خنثی ساختن عملیات مجریان جنگ‌های روانی دشمن بپردازند. با بررسی تعاریف جنگ روانی مفاهیم و مبارزه کلامی، عقیدتی و فکری بیشتری به چشم می‌خورد و به جای اثرگذاری فیزیکی که در جنگ‌های واقعی مطرح است، در این جا اثرگذاری بر عقاید، احساسات و تمایلات و در یک کلام، مبانی فکری دشمن مورد نظر است. نکته در خور توجه این است که جنگ روانی بنابر اهداف مورد نظر مجریان آنهاست که می‌تواند ارزشی مثبت یا منفی به خود گیرد. در واقع جهت‌گیری نهایی اهداف کوتاه مدت و بلند مدت جنگ‌های روانی استراتژیکی تاکتیکی و تحکیمی است که حائز اهمیت است و کانون اهداف علی(ع) احیای ارزش‌های انسانی است.

از آن جا که امیرمؤمنان(ع) در پهنه سخن و سخنوری یکه‌تاز است، در بُعد نظامی‌گری نیز خطابه‌های فراوانی انشا فرموده‌اند که به فراخور موضوعات مختلف، از جمله اصول جنگ روانی، مرجع نیرومندی است. جنگ‌های روانی دارای اصول و روش‌های مختلف است که با بیان تعدادی از آنها رویکرد حضرت را به هر یک مطرح می‌کنیم.

روش‌ها و فنون جنگ روانی

چنان‌که در مقدمه ذکر شد، منظور اصلی جنگ روانی، اثرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی‌طرف یا گروه‌های دوست است؛ به نحوی که پشتیبانی برای بر آوردن مقاصد و اهداف مورد نظر باشد. بنابراین کارشناسان جنگ روانی قبل از انتخاب روش‌های مناسب مطالعه‌ای فراگیر در مورد آداب و رسوم، عقاید، عادات،

سلیقه‌ها، شرایط ذهنی و فکری حاکم بر مخاطبان و واکنش‌های احتمالی آنان انجام می‌دهند و بر همگان روش است که حضرت علی شناخت همه جانبه‌ای از مردم خویش و حتی نسل‌های گذشته داشتند.

تشجیع

روش تشجیع مبتنی برانگیختن شور و شوق تلاش و حرکت افراد به سوی هدف‌های مورد نظر و هم‌چنین تقویت عواطف و احساسات و رفتار آنان است. برای مثال حس دفاع از دین، وطن، نژاد، قوم و یا تقویت حسن تنفر از دشمن متجاوز، با ظلم و استثمار و روحیه تلاش و حرکت بی‌وقفه به سوی اهداف را در مخاطبان پرورش می‌دهد.^۱

درباره این روش، حضرت توصیه‌ها و خطابه‌های فراوانی دارند؛ از جمله در فضیلت جهاد می‌فرمایند: «جهاد بالاترین و شریف‌ترین اعمال پس از اسلام است. جهاد مایه قوام و بقای دین است و علاوه بر عزت و شرف، پاداش آن نیز بسیار بزرگ است. بر نفس ناخوشایند و با مشقت است، ولی ثواب و حسنه دارد و در جهاد است که برای شهیدان، بشارت به بهشت و رزق نزد پروردگار و کرامت و سربلندی است.»^۲

نیز در خطبه دیگر می‌فرماید: «برترین چیزی که متوسلین به خدا، به آن توسل جسته‌اند، ایمان به خدا و رسول و جهاد در راه اوست که قله و بلندای اسلام است.»^۳

در جنگ صفین، هنگامی که لشکر معاویه راه ورود به آب فرات را به تصرف خود در آوردند و مانع استفاده لشکریان علی(ع) از آن شدند، حضرت خطاب به لشکر خود، این گونه آنان را تشجیع نمودند: «پس شما [ای لشکریان] یا بر ذلت و خواری اقرار کرده، شجاعت و شرافت را از دست بدهید و اظهار عجز و ناتوانی کنید و از تشنگی بیچاره شده، خود را تسلیم دشمن نمایید، یا آن‌که شمشیرهایتان را از خون‌هایشان سیراب سازید تا از آب سیراب شوند. سپس مرگ از زندگانی شماست. اگر مغلوب شدید، و حقیقت زندگانی در مرگ شماست آن‌گاه که بر دشمن غالب آید.»^۴

حضرت در جنگ صفین، جبهه‌ها را زیر نظر داشتند و در پیامی به لشکر خود این‌گونه آنان را تشجیع می‌فرمودند: «... آن‌گاه زخم سینه من بهبود می‌یابد و آتش خشم

۱. شیرازی (۱۳۷۶) ص ۳۷. ۲. علی اکبری (۱۳۷۸) ص ۱۲.

۳. شیرازی (۱۳۷۶) ص ۳۳۱.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۱، ص ۶۲.

فروود می‌نشیند که بنگرم شمشیر می‌کشید و با نیزه ضربه می‌زنید، و صف‌های مقدم سپاه دشمن، مانند شترانی تشنه کام رها شده و آواره که از آبگیرهای خود رانده می‌شوند به آبشخور خود راه نمی‌یابند، و صف‌های آخر آن‌ها، در هم می‌ریزد.^۱

هم‌چنین در جایی دیگر می‌فرماید: «جهاد، دری است از درهای بهشت که خداوند آن را بر روی دوستان خاص خود گشوده و لباس تقوا و پرهیزکاری و زره محکم حق تعالی و سپری قوی است.»^۲ در حدیثی نیز از آن حضرت درباره فضیلت از بین بردن خوارج این طور آمده است: «به خدایی که دانه را شکافت و مخلوق را آفرید، اگر شما سست نمی‌شدید به شما خبر می‌دادم که از نظر پیامبر گرامی (ص) چه فضیلتی برای کسی که آن‌ها را کشته است وجود دارد.»^۳

حضرت در گرماگرم جنگ جمل، با سپردن پرچم به دست فرزندشان محمد، این گونه وی را تشجیع نمودند: «ثابت قدم و با قوت باش و تزلزل و فرار نداشته باش. اگر کوه‌ها کنده شود تو از جای کنده مشو. دندان به هم بفشار، کاسه سرت را به خدا عاریه بده، پای خود را چون میخ در زمین بکوب، چشم بینداز تا انتهای لشکر را ببینی.»^۴

حضرت در جنگ صفین نیز این‌گونه یاران خود را تشجیع نمودند: «ای مسلمان‌ها، ترس از خدا را شعار خود بنمایید و وقار و آرامی را روش خویش قرار دهید، و دندان‌هایتان را به هم بفشارید؛ زیرا این‌گونه رفتار، شمشیرها را از سرها دور کننده‌تر است و زره را کامل ببوشید و شمشیرها در غلاف بیش از بیرون کشیدن بجنبانید [تا صدای شمشیر بیرون آمد به گوش دشمن برسد] به گوشه چشم و خشمناک بنگرید و به جانب چپ و راست نیز بزنید... و از گریختن شرم نمایید... و خوشحال باشید که روحتان از بدن جدا گردد و به آسانی به سوی مرگ بروید.»^۵

روشنگری

در این تکنیک جنگی روانی، وظیفه اساسی آشنا ساختن مخاطبان با حقایق و اهداف است که باید در پیش بگیرند. به عبارت دیگر در این روش تلاش بر این است تا درک منحرف و نامتوازن مخاطبان با حقیقت همسان و هماهنگ شود. «روشنگری دو ویژگی

۳. علی اکبری (۱۳۷۸) ص ۱۱۸.

۲. همان، خطبه ۲۷.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۷.

۵. همان، خطبه ۶۵، ص ۱۵۸.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۱، ص ۶۲.

عمده همراه دارد: اول این‌که شرایطی را فراهم می‌کند تا مخاطبان خودی با آگاهی از حقایق در برابر تهاجم سیل شایعات و اکاذیب مقاوم شوند و از طرفی تلاش دو چندان برای نیل به اهداف، از خود به نمایش گذارند و در نتیجه پایداری آنان در برابر تهدیدات دشمن افزایش می‌یابد.^۱

در زمان حضرت علی (ع) دسته‌های سیاسی و مذهبی، از جمله خوارج برای تثبیت ادعای خود و غلبه بر طرف مقابل، از ظاهر آیات قرآن سود می‌بردند. «هنگامی که علی (ع) عبدالله پسر عباس را برای گفت‌وگو نزد خوارج فرستاد به او فرمود: برای آنان از قرآن حجت میاور؛ چه، ظاهر قرآن تاب تحمل معنی‌های گوناگون دارد، و از حدیث پیغمبر (ص) استفاده کن.»^۲

خود حضرت از حدیثی از پیامبر (ص) در مورد خوارج این‌گونه فرموده‌اند: «گروهی قرآن می‌خوانند ولی از استخوان ترقوه آنان بالاتر نمی‌رود. این‌ها از دین خارج می‌شوند، همان‌گونه که تیر از کمان خارج می‌شود و خوشا به حال کسی که آن‌ها را بکشد یا آن‌ها او را به شهادت برسانند.»^۳

قبل از آن‌که حضرت علی (ع) به جنگ با خوارج بپردازد، برای قانع کردن آنان و بر حذر داشتن آن‌ها از جنگ این‌گونه روشنگری نمودند: «ای گروهی که عادت به جدل و گمراهی شما را به خروج واداشته و انحراف و هوای نفسی شما را از حق باز داشته، من شما را انداز می‌دهم از این که کشتگان اطراف این نهر یا به خاک افتادگان این دره شوید.»^۴

در جنگ جمل امام علی (ع) عبدالله بن عباس را قبل از شروع جنگ نزد زبیر فرستادند تا او را به اطاعت برگرداند و این‌گونه فرمودند: «با طلحه دیدار مکن؛ چه، اگر او را ملاقات کنی او را چون گاوی با شاخ‌های به پشت پیچیده می‌بینی... اما زبیر را ملاقات کن که سرشت او نرم‌تر است. پس به او بگو پسر دایی تو می‌گویند در حجاز مرا شناختی و در عراق مرا انکار می‌کنی، آیا چه دیدی که رو برگرداندی.»^۵

فردی از صحابه در طی جنگ جمل درباره‌ی منحرف شدن طلحه و زبیر و هم چنین عایشه تردید کرده بود؛ چرا که در قرآن آمده است «همسران پیامبر، مادران مؤمنان‌اند». او با این تردید از حضرت پرسید: «چطور می‌شود آنان اشتباه کنند؟»

۳. علی اکبری (۱۳۷۸) ص ۱۱۷.

۲. شهیدی، ص ۱۲۷.

۱. شیرازی (۱۳۷۶) ص ۳۹.

۵. همان، ص ۱۲۰.

۴. همان، ص ۱۲۰.

حضرت در جواب وی به روشنگری پرداختند و فرمودند:

«سرت کلاه رفته و حقیقت بر تو اشتباه شده. حق و باطل را با میزان قدر و شخصیت افراد نمی‌توان شناخت. این صحیح نیست که تو اول شخصیت‌هایی را مقیاس قرار دهی و بعد حق و باطل را با این مقیاس‌ها بسنجی... اشخاص نباید مقیاس حق و باطل قرار گیرد. این حق و باطل است که باید مقیاس اشخاص و شخصیت آنان باشد.

دکتر طه حسین، دانشمند و نویسنده معروف مصری معتقد است «سخنی محکم‌تر و بالاتر از این، بعد از انقطاع وحی یافت نمی‌شود.»^۱

حضرت در خطبه‌ای خطاب به مردم این‌گونه فرمودند: «ای مردم، امواج فتنه را با کشتی‌های نجات بشکافید و از راه نفرت و کینه خود را کنار کشیده و تاج تفاخر و فخر فروشی را زمین‌گذارید.»^۲ نیز در جای دیگر می‌فرمایند: «در غبار شبهه و در ناهمواری فتنه هنگام پیدایش و آشکار شدن نهران و نصب قطب و گردش آسیای آن درنگ کنید، فتنه و تباہکاری در راه‌های پنهانی آشکار می‌شود و زشتی و رسوایی به بار می‌آورد.»^۳ امام علی (ع) در نامه‌ای به فرماندار خود در اصفهان و همدان در مورد جهاد با معاویه این‌گونه روشنگری نمودند:

«جهاد با کسی که با میل و رغبت از حق روگردانده و با اختیار کوری و ضلالت برگزیده بر انسان‌های عارف و بیدار واجب است... ما تصمیم داریم به سمت قومی رویم که در مورد بندگان خدا به دستور وحی عمل نکرده و اموال را به خود اختصاص داده‌اند و حدود و احکام الهی را تعطیل نموده و حق را نابود کرده و در زمین فساد کرده‌اند.»^۴ نیز در سخن دیگری می‌فرمایند: «در رکاب رسول خدا (ص) بودیم و مرگ پیرامون پدران و فرزندان و برادران و خویشاوندان می‌چرخید و در هر مصیبت و شدت که برایمان افزوده می‌شد، در راه درست می‌رفتیم، به فرمان خدا گردن می‌نهادیم و بر سر زخم‌ها شکیبا بودیم. اما امروز گمراهی، کجی، شبهه و تأویل وارد اسلام شده است و با برادران اسلامی خود می‌جنگیم.»

ارعاب و ایجاد ترس

یکی از روش‌های مؤثر و کارآمد بر روی نفرات دشمن، استفاده از تهدید و ایجاد رعب و وحشت میان نیروهای دشمن به منظور تضعیف روحیه و سست نمودن اراده و عزم آنان

۱. مطهری (۱۳۵۸) ص ۱۲۵. ۲. نهج البلاغه، خطبه ۵، ص ۵۹.

۳. علی اکبری (۱۳۷۸) ص ۲۳.

۴. همان، خطبه ۱۵۱، ص ۴۷۵.

است. به عبارت دیگر، ضمن ترسیم آینده‌ای مبهم و تاریک و توأم با سختی‌ها و مشکلات فراوان برای دشمن، به آنان خطرها و صدمات اجتماعی و حتی قطعی فراوان که بر سر راهشان کمین کرده گوشزد می‌گردد و با القای پیام‌های مورد نظر، مخاطبان را به ترک لجاجت و دشمنی و در نهایت تسلیم در برابر خواسته‌ها می‌کشاندند. حضرت در سختی می‌فرمایند: «بی‌رغبتی و ترس از جهاد با کسانی که استحقاق جهاد دارند و با کسانی که به گمراهی همدیگر را یاری می‌کنند، گمراهی در دین است و از دست دادن ذلت‌بار و حقیرانه دنیا و فرار از جنگ و هنگام قتال، موجب آتش جهنم است.»^۱

از جمله نامه‌های آن حضرت، نامه به اهل بصره است که به صورت تهدیدآمیز این‌گونه آنان را مورد خطاب قرار می‌دهند: «داستان تفرقه و پراکندگی شما و دشمن شما، چیزی نیست که به آن جاهل باشید، ولی من به مجرمین شما را بخشیدم... اگر تباہکاری و اندیشه‌های نادرست شما که بر خلاف حق است شما را به دشمن و مخالفت با من می‌کشاند، پس این من هستم که اسباب خود را نزدیک آورده و بر شتر سواری خود پالان نهاده و آماده‌اش نمودم و اگر مرا ناچار به آمدن به سوی خودتان کنید با شما کارزاری بر پا نمایم که جنگ جمل پیش آن مانند لیسیدن ته دیگی باشد.»^۲

نامه‌هایی که امام علی(ع) به معاویه می‌نوشت نیز چنین بود. وقتی معاویه نامه‌های تهدیدآمیز برای امام می‌فرستاد، حضرت نیز اقدام به تهدید می‌نمود و می‌فرمود: «من با لشکری عظیم از مهاجرین و انصار که لباس مرگ پوشیده و محبوب‌ترین ملاقات‌ها برای آنان، ملاقات پروردگارشان است و به همراه آنان مردان بدر و شمشیرهای هاشمی است که به جای فرود آمدن تیغه‌های آن در بدن برادر و جد و خانواده‌ات آشنایی داری و این برای ستمگران خیلی دور نیست.»^۳

حتی امام فرماندهان قوای مسلح را نیز مورد عتاب و ارباب قرار می‌دادند: «... پس اگر در امور با من راست کردار نباشید، از شما هیچ یک نزد من خوارمایه‌تر از آن کس نباشد که راه کج ببیناید. آن‌گاه کج روی را کیفری دهم سهمگین و او از کیفر من رهایی نیابد. شما نیز از امیران سپاه خود به همین شکل پیمان گیرید و با آنان چنان کنید که خدا کار شما را اصلاح فرماید.»^۴

حضرت علی(ع) خوارج را این‌گونه از مخالفت و عنادشان ترسانده و بر حذر داشته

است:

۱. همان، ص ۱۲.
 ۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۹، ص ۱۰۳.
 ۳. علی اکبری (۱۳۷۸) ص ۴۵.
 ۴. نهج البلاغه، نامه ۵۰، ص ۱۳۸.

«من شما را می ترسانم از این که صبح کنید در حالتی که در میان این نهر و در بین این زمینه‌های پست و بلند کشته افتاده باشید، بدون آن که نزد پروردگار خود حجت و دلیل داشته باشید و نه برهان واضحی با شما باشد، دنیا شما را هلاک می کند و قضا و قدر الهی شما را در دام می اندازد.»^۱

هم چنین امام در نامه‌ای به معاویه، وی را این گونه مورد عتاب قرار می دهند: «تو را می بینم از جنگ فریاد و شیون نموده می ترسی که دندان به تو فرو برد؛ مانند فریاد کردن شتران از بارهای گران، چنان می بینم لشکر تو را که بر اثر خوردن ضربه‌های پیاپی و پیشامد سخت که واقع خواهند شد و بر خاک افتادن پی هم از روی بیچارگی، مرا به کتاب خدا دعوت می کنید، در حالی که همه یا کافر یا منکر قرآن هستید و یا از بیعت من سرپیچیده اید.»^۲

روش انگیزش تفکر

با عنایت به این که انسان اندیشه مدار است، بیشتر تمایل دارد که خودش انتخابگر باشد و در تصمیم گیری ها احساس آزادی کند. کارشناسان تبلیغات و مجربان جنگ های روانی پیام ها را به گونه ای به افراد منتقل می کنند که فرصت اندیشیدن و انتخاب به آنان داده شود. البته به صورت پیوسته، گام به گام یا غیرمستقیم آن ها را همراهی و در مواقع لزوم راهنمایی و هدایت می کنند.

حضرت علی (ع) در خطبه بیست و نهم نهج البلاغه با نكوهش از پراكنندگی دل های مردم و تفاوت داشتن گفتار و كردار آنان با جملات استفهامی كه باعث انگیزش تفكر می گردد، خطبه را به پایان می رسانند: «وقتی از خانه خود دفاع نكنید، پس از کدام خانه دفاع خواهید كرد؟ بعد از من با کدام پیشوا به پيكار روی خواهید آورد؟»

در خطبه ۳۴ نیز، برانگیختن تفكر وجود دارد: «آیا به پیرامون دیار خود نمی نگرید كه بر اثر چیرگی دشمن رو به ویرانی دارد؟ آیا نمی بینید كه سرزمین های شما به دست خصم گشوده شده و شهرهای شما به تصرف دشمن در آمده و دشمن در شهرهای شما مشغول جنگ است؟ پس به پيكار دشمن رو آورید و سنگین و كند به سوی دشمن نخرامید و به زمین نچسبید كه به خواری بر جای خواهید ماند و به زمین گیر شدن خود اقرار خواهید كرد و با مذلت باز خواهید گشت و فرومایگی نصیبتان خواهد شد. همانا

۱. همان، خطبه ۳۶، ص ۱۱۹.

۲. همان، نامه ۱۰، ص ۸۵۲.

مردان پیکار بیدارند و دشمن از آن کس که به خواب رفته باشد، غافل نشیند. برای یاری کردن به پروردگار چه نشسته‌اید؟ آیا دین ندارید که شما را جمع کند و فراهم آورد و حمیتی ندارید تا شما را نسبت به دشمن بر سر خشم آورد؟^۱

افرادی بودند که به حضرت علی(ع) تهمت می‌زدند و می‌گفتند: او مرد شجاعی است ولی با جنگ آشنایی ندارد. امام پاسخ آنان را این‌گونه می‌دادند: «شما با تمرّد، عصیان و کارشکنی اندیشه‌های مرا چندان خراب کردید که قریش گفت: پسر ابوطالب مردی دلاور و شجاع است ولی علم جنگ ندارد. خدا پدرشان را حفظ کند، آیا هیچ یک از آنان در تجربه و ممارست با جنگ از من آشناتر و در مقام نبرد از من پیشتازتر است؟»

قدرت نمایی

از شیوه‌های جنگ روانی، قدرتمند نشان دادن خود و جبهه خودی و از طرف دیگر کوچک و تحقیر نمودن دشمن و نیروهای آن است. طراحی این شیوه باید به گونه‌ای باشد که دشمن نیز بدان اعتراف کند و آن را بپذیرد. امام در نامه ۴۵ با قاطعیت این‌گونه قدرت‌نمایی می‌کنند:

«به خدا قسم اگر من به تنهایی با آنها برخورد کنم و آنان همه زمین را پر کرده باشند هیچ باکی ندارم و نمی‌هراسم... به خدا قسم باطل را می‌شکافم تا حق را از درون آن بیرون کشم.»

حضرت در خطبه ۲۳۴ نیز با گوشزد کردن این‌که رشته اسلام گسیخته و حدود آن معطل شده، درباره اصحاب جمل می‌فرماید: «با پیمان شکنان جنگیدم و با آنان که دست از حق برداشتند جهاد ورزیدم و آنان را خرد کردم و به خوارج خشم نمودم و خواریشان کردم... من در کوچکی سینه‌های عرب را به زمین رساندم و شاخه‌های نو بر آورده (دو قبیله) را شکستم و شما قدر و منزلت مرا از رسول خدا(ص) و مقام بلند و احترام مخصوص می‌دانید.»

حضرت علی(ع) در یکی از خطبه‌ها که اصحاب خود را امر جنگ با مردم شام نموده، می‌فرماید: «اما من به خدا سوگند پیش از آن‌که به دشمن فرصت توانایی دهم، با شمشیرهای مشرفی^۲ چنان به او خواهم زد که ریزه استخوان‌های سر او بپرد و بازوها و قدم‌هایش قطع شود و پس از این کوشش من، اختیار فتح با خداست.»^۳

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳۴.

۲. مشارف، نام محلی است.

۳. همان، خطبه ۳۹.

امام علی (ع) در جنگ صفین به توصیه‌های نظامی و چگونگی آرایش لشکر، از روش قدرت‌نمایی استفاده می‌کردند: «صف‌های خود را چون سدی آهنین بیارایید، زره‌پوشان جلو باشند و بی‌رزهان در عقب سر. مگذارید پرچم‌ها کج شود.»^۱

شعار و رجز خوانی

معنای تحت‌اللفظی شعار در علوم اجتماعی، فریاد جنگ است. شعار جمله‌ای است ساده، مردمی و گیرا که با هدف تأثیر بر افراد عمومی بدون بحث و جدل و ایجاد مقاومت از جانب آنان اعمال می‌شود و به سخن دیگر عبارت است: از ندای مخصوص و علامت گروهی از مردم که بدان یکدیگر را بشناسند.^۲

حضرت علی (ع) در نبردهای تن به تن وقتی که به پیروزی می‌رسید صدای فریاد تکبیرش به گوش همگان می‌رسید. جابر بن عبدالله در این خصوص می‌گوید: در جنگ خندق، میان علی (ع) و عمر گرد و غباری برخاست که دیگر آن دو را نمی‌دیدم تا میان گرد و غبار صدای تکبیر شنیدم و دانستم که علی (ع) پیروز شده و عمر را کشته است.^۳ در جریان جنگ جمل حکیم بن مناف با خواندن اشعاری روح تازه‌ای در کالبد یاران حضرت علی (ع) می‌دمید و تأثیر بسزایی بر روحیه اراده افراد داشت.

در مورد رجز خوانی باید گفت رجز معمولاً شعری است که هنگام نبرد و رویارویی با دشمن، در خودستایی و مفاخرت خوانده می‌شود. در اکثر جنگ‌های صدر اسلام از روش رجز خوانی برای تضعیف روحیه دشمن و بالا بردن توان انگیزش نیروهای خودی استفاده می‌شد. برای مثال در رویارویی حضرت علی (ع) با فردی به نام مرحب در جنگ خیبر، حضرت در جواب رجز خوانی وی می‌فرمایند: «من آنم که مادرم حیدر نامید. شما را به سرعت به دیار نیستی خواهم فرستاد. همان شیران بیشه که سخت حمله می‌کنند و مخالف را از پای در می‌آورند.»^۴

سکوت

از جمله شیوه‌های عملیات ضد جنگ روانی، سکوت است که در زمره مصادیق تبلیغات

۱. حسینی (۱۳۷۴) ص ۱۷۲. ۲. شیرازی (۱۳۷۶) ص ۲۳۶. ۳. همان، ص ۲۳۹.

۴. همان، ص ۲۴۱.

منفی محسوب می‌شود. این روش هنگامی به کار می‌رود که اقدامات تبلیغی دشمن اهمیت نداشته باشد یا قصد دشمن، تحریک نیروهای خودی باشد. برای جلوگیری از واکنش نشان دادن انفعالی، شتابزده و حساب نشده، یکی از بهترین شیوه‌های ضد جنگ روانی، سکوت و بی‌اعتنایی ظاهری است. بسیاری از اوقات سکوت نوعی مبارزه منفی محسوب می‌شود و سخنان و حرکات دشمن را بی‌ارزش و اعتبار می‌سازد.^۱

در این جا منظور از تکنیک سکوت در خصوص حضرت، ترک قیام و دست به شمشیر بردن است و ایشان از طرح دعوی خود و مطالبه آن از هیچ فرصت مناسبی غفلت نمی‌کردند.

امیر مؤمنان(ع) این سکوت را تلخ و مانند خار در چشم و استخوان در گلو دانسته‌اند. سکوت علی(ع) سکوتی حساب شده و منطقی بود نه صرفاً ناشی از اضطرار و بیچارگی؛ یعنی او از میان دو کار بنا به مصلحت یکی را انتخاب کرد که شاق‌تر و فرساینده‌تر بود... علی(ع) خود تصریح می‌کند که سکوت من حساب شده بود.^۲

علی(ع) از این روش گاهی در مواجهه با بی‌ادبی‌های خوارج استفاده می‌کردند. حضرت در نماز بودند که فردی از خوارج با خواندن آیه‌ای از قرآن به قصد کنایه به ایشان نسبت شرک داد. امام چندین بار به احترام قرآن در طول نماز ساکت شدند بعد از چند مرتبه‌ای که آیه تکرار شد، علی(ع) این آیه را خواندند: «صبر کن. وعده خدا حق است و فراخواهد رسید.»^۳

تحریک

در این روش با اقدامی از جمله دادن اطلاعات آگاهی‌دهنده، بر حالات رفتار و جهت‌گیری دیگران اثر می‌گذارند و احساسات آن‌ها تحریک می‌شود و باعث کشیده شدنشان به سوی اهداف مورد نظر می‌گردد. حس همدردی، تنفر، خشم و غضب، از جمله مفاهیم تعیین‌کننده در این روش است. متخصصان جنگ‌های روانی با ترسیم چهره بی‌رحم و ضد انسانی دشمن یا ترسیم چهره بیدارکننده و مظلومیت دیگران در پی آن هستند که از آن بهره‌برداری کنند.^۴

۱. همان، ص ۵۷.

۲. مطهری (۱۳۷۶) ص ۱۷۷.

۳. مطهری (۱۳۵۸) ص ۱۳۱.

۴. شبرازی (۱۳۷۶) ص ۴۸.

وقتی که طلحه و زبیر عازم بصر شدند، امام علی (ع) خطبه‌ای به این مضمون خواندند:

«ای مردم، عایشه به سمت بصره حرکت کرده و به همراه او طلحه و زبیر نیز هستند که هر یک از آن دو برای خود می‌خواهد نه برای دیگران. به خدا قسم اگر به آنچه می‌خواهند دست یابند - که هرگز به آن نمی‌رسند - هر یک از آن دو، گردن دیگری را می‌زند و درگیری شدیدی بینشان رخ خواهد داد. به خدا قسم زنی سوار بر آن شتر سرخ هیچ‌گونه یا منطقه‌ای را نمی‌بیناید مگر این که در معصیت خدا و مورد خشم اوست تا آن که خود و همراهان خود را به هلاکت بيفکند. آری به خدا سوگند که یک سوم آن‌ها کشته خواهند شد و یک سوم آنان خواهند گریخت و یک سوم آن‌ها توبه خواهند کرد. و همان زنی است که سگ‌های خواب بر او پارس خواهند کرد و آن دو نیز می‌دانند که در خطا و اشتباه‌اند.»^۱

حضرت هم‌چنین در خطبه‌ای با توصیف درندگی و ددمنشی دشمن، این‌گونه احساسات را بر می‌انگیزانند: «به خدا سوگند هر کس که دشمن را بر خویشتن چیره گرداند، دشمن گوشت او را چنان بخورد که جز استخوان‌هایش بر جای نماند و استخوانش را در هم بشکند و پوستش را بر کند؛ هر آن که در ماندگی او بسیار و دل او بس ناتوان است. تو اگر می‌خواهی چنین باش.»

حضرت در جای دیگر اصحابش را به سبب کوتاهی که منجر به شکست محمد بن ابی‌بکر شده بود، این‌گونه مورد خطاب قرار دادند و باعث تحریک آنان شدند:

«... پس به خود آید و خفتگان را از خواب غفلت بیدار کنید و برای جنگ با دشمنان مهیا شوید. مسائل روشن است و صبح برای کسی که چشم دارد راه را نمایانده است. شما با طُلُفا و فرزندان آنان و ستمگران و کسانی که به اجبار مسلمان شدند و همیشه با رسول خدا (ص) سرسخت و با اسلام در جنگ بوده‌اند می‌جنگید. آنان دشمنان سنت و قرآن‌اند و اهل بدعت و مکرند.»

نتیجه‌گیری

از مزیت‌های شاخص کلام حضرت علی (ع) که در نهج البلاغه گردآوری شده، تنوع

۱. علی اکبری (۱۳۷۸) ص ۱۰۴.

موضوعات و محدود بودن به زمینه خاص است. به تعبیر خود حضرت، اسب سخن تنها در یک میدان به تاخت در نیامده و میدان‌های گوناگون عرصه این تاخت و تاز قرار گرفته است. گذشته از این سخنان آن حضرت در یک حوزه نیز از زوایای مختلف قابل تفسیر و بهره‌برداری است. در این مقاله با بضاعت اندک سعی گردید بخشی از سخنان نور افشان آن حضرت در مقوله نظامی‌گری با تکیه بر روش‌های جنگ روانی امروزین بررسی شود.

روش‌های دیگری در جنگ‌های روانی مطرح است، مانند فریب، تخدیر و انواع تبلیغات منفی و سیاه که حضرت هرگز به آن‌ها متوسل نشد. مهم‌ترین عملیات ضد جنگ‌های روانی حفظ اعتقاد و ایمان و نیز حفظ همبستگی، وحدت و پرهیز از اختلافات قومی و قبیله‌ای و دینی است.



فهرست منابع

- فیض الاسلام، سید علینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، خطبه‌ها، نامه‌ها، سخنان کوتاه.
- بستانی، محمد (مؤلف) علی اکبری، حسن (مترجم) (۱۳۷۸) استراتژی نظامی امام علی(ع)، تهران: سازمان تحقیقات خود کفایی بسیج.
- شیرازی، محمد (۱۳۷۶) جنگ روانی و تبلیغات.
- شهیدی، جعفر (۱۳۷۰) تاریخ تحلیلی اسلام.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۸) جاذبه و دافعه علی(ع)، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶) سیری در نهج البلاغه، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴) نبردها و سرداران اسلام، تهران: نشر رامین.